



پژوهشی دربارهٔ تاریخ تشریح نماز جمعه در اسلام

علی حسین زاده ✓



چکیده

معارف اسلامی، با بیان گزارش‌های تاریخی به بررسی مکی یا مدنی بودن تشریح نماز جمعه می‌پردازد.

آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، بررسی اجمالی تاریخ تشریح نماز جمعه، با توجه به گزارش‌های تاریخی است که در قالب مقاله علمی-تخصصی ارزیابی می‌شود. نتیجه پژوهشی مفصل‌تر در این موضوع، مقاله علمی-پژوهشی خواهد بود. مقاله حاضر، ابتدا دو دیدگاه تشریح مکی یا مدنی بودن نماز جمعه بررسی می‌کند و سپس با توجه به گزارش‌های تاریخی موجود، دیدگاه برگزیده مولف در قسمت نتیجه بیان خواهد شد.

تاریخ تشریح نماز جمعه

درباره تاریخ تشریح نماز جمعه بین مورخان دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. برخی از مورخان بر این باورند که تشریح نماز جمعه در دوران بعثت نبوی و قبل از ورود ایشان به مدینه رخ داده است و اولین نماز جمعه نیز با اذن پیامبر ﷺ توسط نماینده ایشان، مصعب بن عمیر اقامه شده است. این دسته، نامه پیامبر ﷺ را شاهی بر دیدگاه خود بیان می‌کنند. در برابر این دیدگاه، بعضی دیگر از مورخان و مفسران معتقدند که حکم برپایی نماز جمعه، در دوره هجرت و در مدینه نازل شده است. بر اساس این دیدگاه، اولین اقامه‌کننده نماز جمعه، پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که قبل از ورود به یثرب، در قبیلۀ بنی‌سالم، آن را برپا کرده‌اند. بنابراین با توجه به گزارش‌های مورخان، در این زمینه دو دیدگاه کلی وجود دارد:

زمان تشریح نماز جمعه همواره بین اهل تحقیق محل بحث و گفت‌وگو بوده است. برخی از مورخان، تاریخ تشریح آن را قبل از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه می‌دانند. بر اساس این دیدگاه، اولین نماز جمعه توسط مصعب بن عمیر و یا اسعد بن زراره در مدینه اقامه شده است. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که نماز جمعه در مدینه تشریح شده و اولین خطیب آن نیز خود پیامبر ﷺ بوده است. نگارنده در این پژوهش می‌کوشد با بهره‌گیری از منابع تاریخی، دیدگاه هر دو گروه را مطرح و دیدگاه برگزیده را با توجه به گزارش‌های تاریخی اثبات کند.

واژگان کلیدی: نماز جمعه، تشریح، مصعب

بن عمیر، اسعد بن زراره، نامه پیامبر ﷺ، مکه، مدینه.

مقدمه

نماز جمعه از احکام تکلیفی است و از اولین اقدامات پیامبر گرامی ﷺ پس از ورود به مدینه شمرده شده است. سبقت در برپایی نماز جمعه، نشانه اهمیت و جایگاه رفیع آن در فرهنگ اسلامی است؛ همان‌گونه که در قرآن کریم، سبقت در پذیرش اسلام نشانه برتری آنان بر دیگر مسلمانان بیان شده است.^(۱) سبقت تشریحی موضوعات و احکام اسلامی نیز، گاهی بیانگر همین موضوع است. بر این اساس، نماز جمعه را از جمله عبادت‌هایی دانسته‌اند که در زمان پیامبر ﷺ تأثیر بسزایی در تشکیل حکومت اسلامی داشته است.

بنابر مباحث پیش‌گفته، این تحقیق با در نظر گرفتن جایگاه نماز جمعه در میان

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۰.



الف: تشریح نماز جمعه در مکه، برگزاری آن در مدینه

برخی مورخان با استناد به روایت عبدالله بن عباس معتقدند تشریح نماز جمعه در مکه بود؛ اما چون اقامه آن در مکه برای پیامبر ﷺ ممکن نبود، قبل از ورود ایشان به مدینه، توسط مصعب بن عمیر و یا اسعد بن زراره در مدینه اقامه شد و پیامبر ﷺ بعد از هجرت، اولین نماز جمعه را در قبیله بنی سالم اقامه کرد.

بنابر دیدگاه صالحی شامی، تشریح نماز جمعه در مکه اتفاق افتاده، اما عملاً اولین نماز جمعه در مدینه اقامه شده است.^[۱] سهیلی نیز نقل کرده که دارقطنی روایتی را از ابن عباس نقل کرده که طبق آن، نماز جمعه در مکه تشریح و در مدینه برپا شده است.^[۲] نیز بنا بر نقل

۱. «تقدم أن صلاة الجمعة صلّتها الصحابة بالمدينة قبل قدوم النبي ﷺ المدينة، فقبل ذلك بإذن من النبي ﷺ لما رواه الدارقطني عن ابن عباس، قال: أذن رسول الله ﷺ بالجمعة قبل أن يهاجر، و لم يستطع رسول الله ﷺ أن يجمع بمكة [و لا يبدى] لهم، فكتب إلى مصعب بن عمير رضي الله عنه: أما بعد فانظر اليوم تجهر فيه اليهود بالزبور لسببتهم، فاجمعوا نساءكم و أبناءكم، فإذا مال النهار عن شطره عند الزوال من يوم الجمعة فتقربوا إلى الله تعالى بركعتين؛» صالحی دمشقی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲. «... عن ابن عباس قال: أذن النبي (صلى الله عليه وسلم) بالجمعة قبل أن يهاجر، و لم يستطع رسول الله عليه وسلم أن يجمع بمكة و لا يبدى لهم، فكتب إلى مصعب بن عمير: أما بعد: فانظر اليوم الذي تجهر فيه اليهود بالزبور لسببتهم، فاجمعوا نساءكم و أبناءكم، فإذا مال النهار عن شطره عند الزوال من يوم الجمعة، فتقربوا إلى الله

احمدی میانجی، شوکانی از علمای بزرگ اهل تسنن معتقد است که نماز جمعه در مکه تشریح و در مدینه اقامه شد. شوکانی از قول طبرانی نقل کرده که ابن عباس روایت می‌کند که برپایی نماز جمعه بر پیامبر اسلام ﷺ قبل از هجرت به مدینه و در مکه واجب شده بود؛ اما چون امکان اقامه آن در مکه وجود نداشت، در نامه‌ای به اصحابشان در مدینه، از آنان خواستند نماز جمعه را برپا کنند.^[۳]

ابوالفرج حلبی یکی دیگر از موافقان دیدگاه تشریح نماز جمعه در مکه و برگزاری آن در مدینه، بر پایه روایت ابن عباس است. بر اساس نقل او، درباره تاریخ تشریح نماز جمعه از ابن عباس روایت شده پیامبر ﷺ به اهالی مدینه، قبل از هجرتشان به آنجا، اجازه دادند که نماز جمعه را برپا کنند. او در ادامه روایت ابن عباس را نقل می‌کند که برگزاری این نماز با اذن پیامبر ﷺ بوده و اجتهاد شخصی اهل مدینه در برپایی آن نبوده است.^[۴]

برخی مورخان، نامه پیامبر ﷺ به مصعب بن عمیر برای برپایی نماز جمعه را نقل کرده و آن را سندی بر اقامه نماز جمعه

برکعتین. قال: فأول من جمع، مصعب بن عمير حتى قدم رسول الله (صلى الله عليه وسلم) المدينة، فجمع عند الزوال من الظهر، و أظهر ذلك؛ سهیلی، الروض الانف، ج ۴، ص ۱۰۲.

۳. «إن الجمعة فرضت على النبي ﷺ و هو بمكة قبل الهجرة كما أخرجه الطبراني عن ابن عباس، فلم يتمكن من إقامتها هنالك من أجل الكفار، فلما هاجر من هاجر من أصحابه إلى المدينة كتب إليهم يأمرهم أن يجمعوا فجمعوا؛» احمدی میانجی، مکاتیب الرسول ﷺ، ج ۲، ص ۶۹۴.

۴. «و عن ابن عباس (رضي الله تعالى عنهم): أذن النبي ﷺ لهم قبل الهجرة* أي قبل أن يهاجر (صلى الله عليه وسلم) في إقامة الجمعة* أي فلم يفعلوها باجتهاد، بل بإذنه (صلى الله عليه وسلم)؛» حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۲، ص ۱۶.



«مقصود از این آیه، وجوب اهتمام به نماز جمعه است و ممکن است قبل از آن، در مکه واجب شده باشد؛ ولی چون امکان برپایی آشکار آن نبوده اقامه نشده است و یا اگر مخفیانه برپا شده، خبر آن به ما نرسیده است»، او در ادامه می‌نویسد: «مؤید این مطلب، خبری است که دارقطنی از ابن عباس نقل کرده که پیامبر ﷺ قبل از مهاجرت به مدینه، موظف به اقامه نماز جمعه بود؛ ولی چون ممکن نبود، آن را در مکه اقامه نکرد و به مصعب نامه نوشت تا در مدینه، نماز جمعه را به دو رکعت اقامه کند».^[۴]

۴. «و قد تقدم في الحديث: أن مصعب بن عمير قد جمع بالمسلمين في المدينة قبل الهجرة و ربما يشكل على ذلك: بأن سورة الجمعة قد نزلت بعد هجرته (صلى الله عليه و آله و سلم) إلى المدينة؛ فكيف صلى مصعب الجمعة قبل تشريعها؛ الجواب: أننا لو سلمنا أن المراد بجمع، صلى الجمعة؛ إذ من المحتمل: أن يكون المراد صلى جمعة- لو سلمنا ذلك- فإن قوله تعالى في سورة الجمعة: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» ليس المقصود به تشریح اقامه الجمعة، وإنما هو يوجب السعي إلى الجمعة التي تقام، ففعل وجوب إقامتها كان قبل ذلك قد جاء على لسانه (صلى الله عليه و آله و سلم) في مكة، ولكن لم يكن يمكن إقامتها، أو كان يقيمها سرا و لم يصل ذلك إليها، و يؤيد ذلك قوله تعالى: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوا قُلُوبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ» فإن ذلك يشير إلى ان الجمعة كانت قد شرعت قبل ذلك، و أن هذا كان سلوكم مع (صلى الله عليه و آله و سلم)، و يؤيد ذلك: ما أخرجه دارقطنی، عن ابن عباس، قال: «أذن النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) الجمعة قبل أن يهاجر، و لم يستطع أن يجمع بمكة؛ فكتب إلى مصعب بن عمير: «أما بعد، فانظر اليوم الذي تجهر فيه اليهود بالزبور، فاجمعوا نساءكم و أبناءكم، فإذا مال النهار عن شطره عند الزوال من يوم الجمعة فتقربوا إلى الله بركعتين»؛ رك: حلبی ابوالفرج، السيرة الحلبية، ج ۲، ص ۱۶؛ عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحيح من السيرة النبویة الاعظم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ و احمدی مناجی، مكاتیب الرسول ﷺ، ج ۲، ص ۶۹۳.

۳. سورة جمعه، آیه ۹.

در مدینه و تشریح آن در مکه برشمرده‌اند. ابن سعد از مورخان متقدم و سرشناس می‌نویسد: «پیامبر علاوه بر دو رکعت نماز، به مصعب نامه نوشت که برای مردم خطبه نیز بخواند».^[۱] مورخان دیگری نیز، متن نامه پیامبر ﷺ به مصعب بن عمیر را گزارش کرده‌اند؛ اما فقط دستور پیامبر ﷺ به دو رکعت نماز را در گزارش خود آورده‌اند؛ البته با توجه به وجوب نماز ظهر در چهار رکعت، می‌توان استنباط کرد که منظور از دو رکعت، همان برگزاری نماز جمعه است که در دو رکعت اقامه می‌شود. این دیدگاه با توجه به گزارش ابن سعد از متن نامه پیامبر ﷺ به مصعب درباره‌ی صدور دستور خطبه تقویت می‌شود.^[۲]

برخی مورخان معاصر نیز بر این باورند که نماز جمعه در مکه تشریح شده و آیه ۹ سوره جمعه بر وجوب نماز جمعه در مدینه دلالت ندارد؛ بلکه این آیه، بر کوشش در برپایی آن تأکید دارد. بنابراین نماز جمعه در مکه تشریح شده و در مدینه اقامه شده است. سیدجعفر مرتضی عاملی از طرفداران این نظریه است. او پس از ذکر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»^[۳] می‌گوید:

۱. «انظر من اليوم الذي تجهر فيه اليهود لسبتهم، فإذا زالت الشمس فازدلف إلى الله فيه بركعتين و اخطب فيهم»؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۸۷.

۲. «كتابه ﷺ إلى مصعب بالمدينة لإقامة الجمعة: [أما بعد فانظر اليوم الذي يليه اليوم الذي تجهر فيه اليهود بالزبور لسبتهم، فاجمعوا نساءكم و أبناءكم، فإذا مال النهار عن شطره عند الزوال من يوم الجمعة فتقربوا إلى الله بركعتين]؛ رك: حلبی ابوالفرج، السيرة الحلبية، ج ۲، ص ۱۶؛ عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحيح من السيرة النبویة الاعظم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ و احمدی مناجی، مكاتیب الرسول ﷺ، ج ۲، ص ۶۹۳.

۳. سورة جمعه، آیه ۹.



محمّد بن جریر طبری از مورخان صاحب‌نام اهل‌تستن، در دو کتاب تفسیری و تاریخی‌اش به این دیدگاه اشاره کرده است. او نوشته است: «اولین نماز جمعه را حضرت علیه السلام در قبیلۀ بنی‌سالم بن عوف در مدینه اقامه کرد و در گذر زمان، آن مکان به عنوان مسجد انتخاب شد».^[۴]

برخی از مفسران و محدثان شیعه نیز معتقدند اولین خطبه و نماز جمعه در مدینه اقامه شده است. استناد آنان نیز بر پایه آیه نماز جمعه است. امین‌الاسلام، فضل بن حسن طبرسی، از جمله عالمانی است که این دیدگاه را در تفسیرش پذیرفته است.^[۵]

توضیح آنکه بنا بر نقل طبری و طبرسی و دیگر منابع تاریخی و روایی فریقین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام هجرت از مکه به مدینه، نزدیک ظهر روز دوشنبه، دوازدهم ربیع‌الاول سال اول هجری، در محله قبا به منزل عمرو بن عوف وارد شد و تا روز پنجشنبه در آنجا باقی ماند تا امام علی علیه السلام به همراه فاطمه (فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، فاطمه دختر اسد مادر امام علی علیه السلام، و فاطمه دختر زبیر) به آن حضرت پیوندند و به دستور آن حضرت، مسجدی در آن مکان بنا شد که در گذر زمان، به «مسجد قبا» معروف شد. در ادامه این گزارش تاریخی و روایی چنین وارد شده است: «پس از پیوستن امام علی علیه السلام و همراهان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه، به سمت مدینه حرکت کرد. هنگامی که وارد شهر گردید، در محله بنی‌سالم ساکن شد که با نزدیک ظهر روز جمعه، هم‌زمان شد و ایشان در همان مکان -که در گذر زمان به مسجد تبدیل شد- اولین خطبه جمعه

مفسر بزرگ، علامه طباطبایی نیز در تفسیر سوره جمعه، مقصود از این سوره را اهتمام به برپایی نماز جمعه -نه تشریح نماز جمعه به واسطه نزول این سوره- بیان کرده است: «مقصود از این سوره -گرچه آیات دیگری در موضوعات مربوط به بعثت و اهداف آن، موت، معاد و یهود دارد- توجه دادن به همت جدی، برای برپا داشتن نماز جمعه و اینکه این واجب از شعائر بزرگ الهی است، بوده و به نقش آن در اصلاح دنیا و آخرت مردم توجه داده است».^[۱]

ب: تشریح و برپایی نماز جمعه در مدینه

برخی منابع تاریخی، اقامه نماز جمعه را هم‌زمان با تشریح این فریضه الهی دانسته‌اند و با اشاره به برگزاری آن به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ورود به مدینه، تشریح نماز جمعه را در دوران حاکمیت ایشان در مدینه قلمداد کرده‌اند.

دلیل مهم این دیدگاه، نزول سوره جمعه در روزهای حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه است. این دلیل با توجه اینکه عالمان شیعه و سنی بر مدنی بودن سوره جمعه اتفاق دارند، تقویت می‌شود. علامه طباطبایی نیز، در تفسیر آیه «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا»^[۲] به این مطلب اشاره می‌کند: «قد انفقت روایات الشیعة و اهل السنة علی إته برد المدینه غیر معها تجارة ... الخیر».^[۳]

۴. طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۴.

۵. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۲-۱۰. همین روایت را قطب راوندی با قدری تلخیص ذکر کرده است. قطب راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۶۹.

۱. طباطبایی، محمّدحسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۳.

۲. سوره جمعه، آیه ۱۱

۳. طباطبایی، محمّدحسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۳.



دیدگاه برخی مورخان این است که اولین نماز جمعه را مصعب بن عمیر اقامه کرد. مصعب بن عمیر، پیش از آمدن پیامبر ﷺ به عنوان نماینده حضرت وارد مدینه شد؛ با وجود این گزارش تاریخی، چگونه می‌توان تشریح نماز جمعه را نپذیرفت؟ همچنین، دستور به برگزاری آن توسط پیامبر ﷺ را جایز دانست؟ قطعاً پیامبر ﷺ مجری دستورهای شارع مقدس، یعنی خداوند متعال است؛ حال اگر نماز جمعه در مکه تشریح نشده بود، آیا پیامبر از جانب خود، بدون اینکه این حکم از سوی خدا بر او نازل شده باشد، می‌توانست هنوز امری را که تشریح نشده بود، شرعی کند؟ پس حکم و جوب برگزاری نماز جمعه به پیامبر ﷺ پیش از این، اعلان شده بود که ایشان نیز به نماینده خودشان دستور می‌دهد نماز جمعه را در مدینه برپا کند.

سه. ابن عباس علت برگزاری نشدن نماز جمعه را فضای حاکم بر مکه عنوان کرده بود. این فضای فشار و خفقان، به خوبی در گزارش‌های تاریخی ترسیم شده است. بنابراین برپایی یک واجب اجتماعی همچون نماز جمعه، در آن محیط، بسیار سخت بوده است. با توجه به چنین فضای دشواری، روایت ابن عباس در مکه نبودن برگزاری نماز جمعه در مکه و اقامه آن در مدینه صحیح به نظر می‌رسد.

چهار. در گزارش‌های تاریخی آمده بود که اهل مدینه خواستار اجتماع در روزی مشخص را -مانند یهودیان و مسیحیان- از پیامبر ﷺ داشتند. در مقابل این درخواست نیز، پیامبر ﷺ به مصعب بن عمیر دستور برگزاری نماز اجتماع‌ساز جمعه را داد که نشانگر اهمیت نماز جمعه و اجتماع مسلمانان در اسلام است. پنج. بعضی از مفسران و مورخان نیز آیه نماز جمعه را نشانه جوب آن ندانسته‌اند؛ بلکه آن را اهتمام ویژه اسلام به نماز جمعه قلمداد کرده‌اند. این موضوع نیز شاهدی دیگر بر تشریح نماز جمعه در مکه است.

را بیان کرد و با همراهان و مسلمانان، نماز جمعه را به جا آورد و این، اولین نماز جمعه پیامبر ﷺ بود.^(۱)

نتیجه

در مطالب پیش گفته درباره اختلاف دو دیدگاه درباره زمان تشریح نماز جمعه سخن به میان آمد؛ اما به دلایل زیر مکی بودن تشریح نماز جمعه ارجح به نظر می‌رسد:

یک. از جمله شواهد مکی بودن نماز جمعه این است که بنا بر گزارش‌های تاریخی، پیامبر ﷺ هنگام ورود به مدینه و قبل از رسیدن به این شهر، اولین نماز جمعه را اقامه کرد و این در حالی بود که هنوز سوره جمعه نازل نشده بود.

این مطلب هنگامی تقویت می‌شود که اشاره‌ای در گزارش‌های تاریخی به دستور برپایی نماز جمعه بر اساس آیه ۹ سوره جمعه، قبل از ورود پیامبر ﷺ به مدینه وجود ندارد؛ بنابراین برپایی نماز جمعه قبل از نزول سوره جمعه را می‌توان دلیلی بر جوب آن در مکه تلقی کرد و دیدگاه عالمانی را که می‌گویند تشریح نماز جمعه در مدینه بوده مردود دانست.

دو. نامۀ پیامبر ﷺ به مصعب بن عمیر -که در آن به او دستور می‌دهد نماز جمعه را در مدینه اقامه کند- شاهد روشنی بر تشریح نماز جمعه در مکه است؛ البته در برخی خبرهای تاریخی آمده که اسعد بن زراره، اولین نماز جمعه را اقامه کرده که خود به یک تحقیق تاریخی مجزا نیاز دارد.

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۴؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۲-۱۰.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، ۱۴۱۰ ق، اول، بيروت، دار الكتب العلميه.
۳. احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول ﷺ، ۱۴۱۹ ق، اول، قم، دار الحديث.
۴. العاملى، سيدجعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ۱۴۲۶ ق، اول، قم، دار الحديث.
۵. حلبى شافعى، ابو الفرج، السيرة الحلبيه، ۱۴۲۷ ق، دوم، بيروت، دار الكتب العلميه.
۶. راوندى، قطب الدين، فقه القرآن، قم، كتابخانه عمومي حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله عليه.
۷. سهيلى، عبد الرحمن، الروض الأنف في شرح السيرة النبويه، ۱۴۱۲ ق، اول، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
۸. صالحى دمشقى، محمد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، ۱۴۱۴ ق، اول، بيروت، دار الكتب العلميه.
۹. طباطبايى، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، ۱۳۷۵ ق، اول، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۱۰. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بي تا، بيروت، دار العلوم.
۱۱. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، ۱۳۸۷ ق، دوم، بيروت، دار التراث.

